

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۱۴ جنوری ۲۰۲۰

بیانیه حزب کار ایران (توفان) در مورد تحولات اخیر در منطقه

هموطنان عزیز!

ترور قاسم سلیمانی توسط بانیان طالبان و داعش و واکنشهای جهانی و ایرانی نسبت به آن، حزب کار ایران (توفان) را بر آن داشت تا بار دیگر مواضع اصولی خود را در این زمینه بیان کرده و صحت آن را نشان داده و تأثیرات این اقدام ضد بشری و تروریستی دولتی را از جانب امریکا در جهان و ایران بررسی کند و در خاتمه نقش اپوزیسیون خود فروخته و به ظاهر "دموکرات" و "انقلابی" را که مترصد ایفای نقش داعشهای ایرانی بودند، برملا نماید.

قاسم سلیمانی و تشییع جنازه میلیونی

ما ابتداء باید تأثیرات اجتماعی فعالیت وی را بیان کنیم تا آگاهانه و افشاگرانه، به ضد تبلیغات امپریالیسم و صهیونیسم که از حلقوم ایرانیان آلت دست این بنگاههای امپریالیستی بیرون می آید، اقدام کرده باشیم.

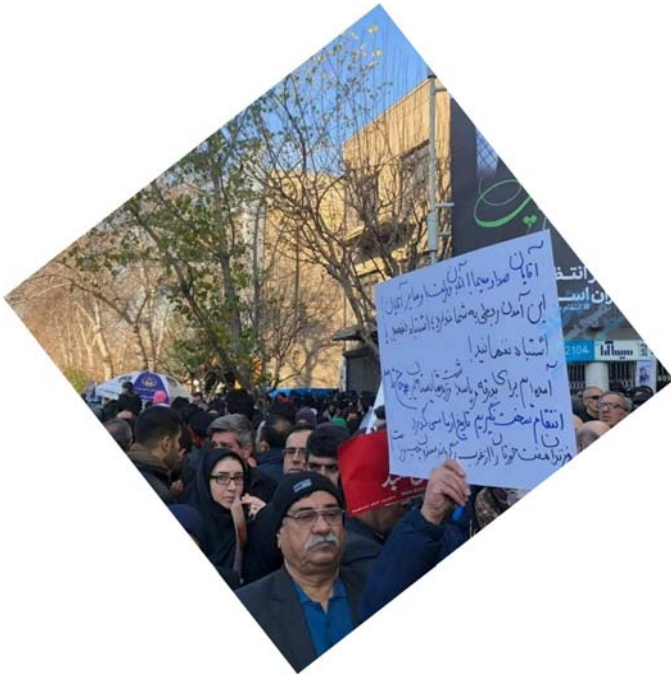
سردار سلیمانی یک مقام رسمی و یکی از فرماندهان مهم و برجسته ایران بود که در زمان تجاوز نظامی عراق به میهن ما علیه ارتش متجاوز رژیم بعث عراق برای حفظ تمامیت ارضی ایران داوطلبانه به جبهه رفت، جنگید و به تدریج به یک شخصیت صاحب نام نظامی و ستراتیژیست ایران بدل گشت.

قاسم سلیمانی رهبری مبارزه به ضد داعش را نیز به عهده گرفت و آنهم در زمانی که این تروریستهای امریکا ساخته، راهی بغداد شده بودند، تا خود را بهتران برسانند. قاسم سلیمانی با تشکیل جبهه واحد و تأسیس سازمان شبه نظامی حشدالشعبی که خاری به چشم دوستان داعش است، بنیان این سیل بی بنیاد را در عراق برکند و نه تنها ملت ایران، بلکه ملت عراق را نیز از دست وجود این جانوران رها ساخت و کینه همه یاران داعش را به جان خرید. قاسم سلیمانی نه تنها در نزد بخش مهمی از مردم ایران، بلکه در تمام منطقه و در نزد بسیاری رهبران جهان به عنوان یک مرد جنگی و همزمان یک فرد دیپلمات چیره دست و مؤثر در مذاکرات دو و یا چند جانبه قابل احترام و محبوب بود. بخشی از مردم ایران برای قاسم سلیمانی احترام دیگری قایل بودند و حسابش را از قالیبافها، رضائیها، رئیسیها و لاریجانیها جدا می کردند. این عامل اساسی محبوبیت سلیمانی را ایرانیانی که نسبت به احساسات مردم ایران بیگانه اند و گوئی نابینا بوده و از کره مریخ آمده اند، به علت ذهنیگری مزمن نادیده می گیرند و یا خود را به تجاهل می زنند.

هدف از سفر سلیمانی به عراق چه بود

براساس اسنادی که مطبوعات جهان منتشر کردند و سخنان آقای عادل المهدي نخست وزیر عراق، آقای سلیمانی به عنوان مسؤول مذاکره با عربستان سعودی به دعوت دولت عراق به این کشور سفر کرده بود. وی در یک مصاحبه مطبوعاتی دروغهای امریکا را مبنی بر این که "آنها اطلاعات دقیقی داشته‌اند که سلیمانی برای ترور امریکائی‌ها به عراق آمده است" برملا کرد، کذب محض خواند و اعلام کرد:

"برای ثبت در تاریخ می‌گویم که ساعت هشت صبح شهادت، با این شهید (سردار سلیمانی) جلسه داشتیم."



وی درباره محتوای این جلسه گفت: "می‌خواستیم پاسخ نامه‌ای را از سوی عربستان به شهید بدهم که درباره تحولات عراق و برقراری صلح در منطقه بود."

واقعیت این است که دولت ایران مدتهاست تلاش می‌کند به‌آشوبی که امریکا در منطقه ایجاد کرده است و مسؤولیت مستقیم تشنج در منطقه را به‌عهده دارد، پایان بدهد. امپریالیسم امریکا از ۸ هزار کیلومتر دورتر به منطقه آمده و ده‌ها پایگاه نظامی و تروریستی به‌دور ایران ایجاد کرده، ممالک منطقه را اشغال نموده و به ضد حکومت‌های رسمی، قانونی و مشروع این کشورها دسیسه می‌چیند و خرابکاری می‌کند و امنیت منطقه را ملعبه دست خود کرده است. سیاست تشنج‌دائی در منطقه، ممانعت از جنگ و در خواست خروج قوای خارجی از منطقه، ایجاد پیمان همکاری مشترک با ممالک ساحلی خلیج فارس برای برقراری امنیت خلیج فارس و نظایر آنها از سیاست‌های کنونی دولت ایران است. این سیاست‌ها اگر عملی شوند در درجه نخست به‌نفع منافع ملی و مردم و طبقه کارگر ایران خواهد بود. بر خرابه‌های ایران که در آن مبارزه طبقاتی ممکن نیست، تنها جغدهای صهیونیست و اپوزیسیون خودفروخته ایران خواهند خنديد.

اسرائیل تنها کشوری است که از آشوب منطقه سود می‌برد و خواهان آنست هر جا بوی مصالحه و همکاری و صلح به-مشام می‌رسد در تخریب آن کوشا بوده و در منطقه جنگ‌آفرینی کند. اقدامات تحریک‌آمیز مستمر اسرائیل در عراق، بمباران سوریه، هدف گرفتن کشتی ایران در بحرالحمیر با راکت‌های خود تا آن را به‌گردن عربستان سعودی بیندازد و آتش جنگ را تیزتر کند و سایر خرابکاری‌های اسرائیل در خلیج فارس با سیاست جنگ‌افروزانه و... همه در خدمت آنست که از نزدیکی اعراب به ایران جلوگیری کند. این نزدیکی اهمیت ستراتیژیک در منطقه دارد و جنبش آزادیبخش فلسطین را تقویت می‌کند و به‌خودسری اسرائیل دهانه خواهد زد و دیگر موفق نخواهد شد از تفرقه در منطقه به‌نفع اهداف توسعه‌طلبانه و تشنج‌آفرین خودش سوءاستفاده نماید. این است که مطلعان سیاسی از این صحبت می‌کنند که ترمپ به ملعبه دست مشاوران صهیونیست خود بدل شده و بی‌تعمق به‌خواست اسرائیل بدون دوراندیشی و تفکر در باره نتایج این اعمالش تن در داده است. در ترور قاسم سلیمانی دست‌ان ناپاک صهیونیسم مستقر در اسرائیل به‌چشم می‌خورد. همین

موجب شده که حتی موجی از مخالفت در درون حاکمیت امریکا به ضد تصمیم ترمپ بلند شود که امریکا را به جنگی ناخواسته و غیرمشروع و بدون اجازه کنگره می‌کشاند.

برخورد جهان به این اقدام تروریستی و جنایتکارانه

حزب ما ترور قاسم سلیمانی را که با مقام شناخته شده رسمی و دولتی برای مذاکره با کشور دیگری عازم عراق بوده است و آقای ترمپ دستور آن را صادر کرده است، شدیداً محکوم می‌کند و آن را نماد بارز تروریسم دولتی در جهان می‌داند. این اقدام جنایتکارانه ترمپ نقض روشن حقوق ملل، موازین به رسمیت شناخته شده جهانی و لگدمال کردن یک دستاورد بشریت و توافقنامه جهانی است. دولت‌های جهان حق ندارند اعضای سایر دول را به میل خود و تبهکارانه با نقض همه اصولی که جوامع را به هم پیوند زده و اصل همزیستی مسالمت‌آمیز آنها را در کنار هم پذیرفته با اقدامی جنائی نابود کنند.

حق حاکمیت ملی همانگونه که بارها گفته‌ایم و برای فهم عمیق‌تر تکرار می‌کنیم یک حق دموکراتیک است که همه کشورهای جهان، مستقل از ایدئولوژی، بزرگی و کوچکی کشورشان، مبانی فکری، ایدئولوژی، ماهیت دولتها، دین، نژاد، زبان و... از آن با حقوق مساوی برخوردارند. این که جمهوری اسلامی کشوری اسلامی و یا واتیکان کشوری مسیحی است، از درجه ارزش حقوق این کشورها نمی‌کاهد. ثبت این حق در منشور ملل متحد خونبهای انسانهایی است که در دو جنگ جهانی به تعداد میلیونی جان دادند. آقای ترمپ این دستاورد مهم بشریت را با یک فرمان قتل، بهزباله دان تاریخ افکنده است. بعد از این اقدام تبهکارانه، همه ممالک جهان به استثنای اسرائیل، این اقدام را نادرست دانسته و محکوم کردند. دبیرکل ملل متحد به اعتراض دست زد، زیرا از فردای ترور سردار سلیمانی به دست بزرگترین تروریست تاریخ بشریت، جهان دیگر در هرج و مرج فرورفته، ناامن شده است و هیچ رئیس دولت و مقام رسمی کشوری در جهان دیگر مصونیت جانی ندارد و می‌تواند در خانه، محل کار و یا هواپیمای خود به دستور "قاضی-القضات" جهان با راکت سرنگون شده، به قتل برسد. از این تاریخ قانون جنگل در جهان حاکم است. حزب ما همین موضع را در زمانی داشت که رهبران امریکا، سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران را که یک مقام رسمی و دولتی در ایران است، تحریم کرده و سپس اتهام تروریستی به آن زدند. قرار دادن سپاه در فهرست تروریسم امریکا (FTO) در ۸ اپریل ۲۰۱۹ در زمان ترمپ، ادامه تحریم این مقام در خرداد [جوزا] ۱۳۹۰ توسط بارک اوباما می‌باشد. حزب ما پیش‌گویی کرد که اگر کسی به بهانه دشمنی با جمهوری اسلامی بر این بی‌قانونی‌ها چشم ببوشد و حقوق قانونی ایران را صرفنظر از ماهیت حکومت حاکم نادیده بگیرد به منافع ملی و مردم کشورش خیانت کرده است و ما امروز با صف این خیانتکاران اپوزیسیون روبه رو هستیم.

دفاع از حق حاکمیت ملی و یا حقوق دموکراتیک به ماهیت حکومتها وابسته نیست

این امر را ما بارها توضیح داده‌ایم. حقوق دموکراتیک تقسیم‌بردار نیست. فقط مستبدان و فاشیست‌ها این حقوق همگانی را در دنیای کنونی به رسمیت نمی‌شناسند. حقوق زن و مرد مساوی است چه زن از طبقه کارگر و یا زن از طبقه بورژوا باشد. این امر بديهی در مورد حق حاکمیت ملی و حقوقی که مربوط به کشور ما ایران است، نیز صدق می‌کند. با تکیه به نوع و ایدئولوژی حکومت نمی‌شود و نباید از این حقوق که متعلق به ایران به عنوان یک کشور واقعی وجود دارد صرفنظر کرد. کسی که مدعی است رژیم جمهوری اسلامی تبهکار است و نباید هیچ حقوقی را برای ایران به رسمیت شناخت انقلابی نیست مرتجعترین همدست ناقضان حقوق در جهان یعنی همدست امپریالیسم و صهیونیسم است. دولتها

می‌آیند و می‌روند ولی ایران زنده می‌ماند و آنها که به بهانه مخالفت با جمهوری اسلامی هر خیانتی را می‌پذیرند طبیعتاً دشمنان مردم ایران و میهن خود هستند.

نمایش اعتراض میلیونی مردم ایران

وقتی خبر ترور قاسم سلیمانی به ایران رسید، جامعه جوشید از این جهت که ملت بیدار ما تحقیر و نقض حق حاکمیت ملی ایران را بر نمی‌تابد. ملتی که در آبانماه [عقرب] برای عشق به ایران به خیابانها آمده بود و جانش را به ضد نظام سرکوبگر حاکم از دست داد، حاضر نشد به بهانه کینه‌توزی و خونخواهی از رژیم حاکم، منافع کشورش را که برایش آماده فداکاری بود، زیر پای بگذارد و برای تروریسم ترمپ به رقص و پایکوبی بپردازد. **مجازات حاکمیت ایران را تنها ملت ایران تعیین می‌کند و نه ترمپ و نتانیاها.** این پیام را ملت ایران برای همه گردنکشان جهان و اپوزیسیون در یوزه گر ایران ارسال داشت. مردم میهن دوست‌اند از غرور ملی سرشار اند و حساب ایران را از جمهوری اسلامی جدا می‌کنند و حاضرند در مقابل تجاوز بیگانگان یکپارچه مقاومت نمایند. ملت ایران ملتی نیست که یکشنبه از زیر بته سبز شده باشد، ملتی دارای تاریخی به قدمت حداقل ۲۵۰۰ سال است و از غرور ملی برخوردار بوده و دارای هویت روشنی است. امریکای قلدر منش و اسرائیل ساختگی بدون هویت و تاریخ نمی‌توانند این قدرت حافظه تاریخی مردم ایران را بدرستی تشخیص دهند. مردم ایران نه تنها دارای تاریخ باستانی بوده که دستاوردی برای بشریت است، بلکه در تاریخ معاصر جهان بانی انقلاب مشروطیت، مبارزه ضد استعماری سالهای بیست، قیام سیام تیر [سرطان]، ۱۵ خرداد [جوزا]، انقلاب بهمن [دلو] و همین آخری شورش قدرتمند آبانماه [عقرب] ۱۳۹۸ بوده‌اند. چنین ملتی هرگز منافع ایران را در پای همدستی با بیگانگان قربانی نمی‌کند. ملت ایران هرگز آرزوی حکومت نوع ترمپی و یا نتانیا هوئی را در ایران ندارد. ملت ایران حساب جمهوری اسلامی را از ایران جدا کرده و تروریسم جهانی را ناجی ایران نمی‌داند. حضور مردم در خیابانها، همه محاسبه امپریالیستها، رسانه‌های لوس آنجلسی، بازیگران خود فروخته فضای مجازی و همه رسانه‌های اپوزیسیونی که فقط قدرت حرافی‌شان در حجم پولی است که از منابع خارجی دریافت می‌کنند بی‌اعتبار ساخت، اپوزیسیون خود فروشی که ادعا دارد می‌خواهد "جبهه سوم" برای "براندازی" ایجاد کند تا هم با امریکا "بجنگد" و هم با جمهوری اسلامی. این اپوزیسیون بعد از حضور میلیونی مردم ایران علیه تجاوز امریکا، "سردار" بی‌سپاهی از کار درآمد که فقط باید نقش ستون پنجم امریکا را ایفاء و در پا رکابی آنها به ایران حمله کند. ما بارها گفته بودیم و تکرار می‌کنیم دو جبهه بیشتر نیست یا در کنار مردم به ضد دشمن خارجی و داخلی و یا حضور در صف دشمنان خارجی و مبارزه با ایران و مردم ایران، صف سوم وجود ندارد. چقدر فرومایگی می‌خواهد که فرمان قتل قاسم سلیمانی را به دست تروریستی به نام ترمپ مورد تأیید قرار بدهیم و این قانون جنگل را تنها با انگیزه و کینه نسبت به جمهوری اسلامی در جهان توجیه کرده و به رسمیت بشناسیم و برای ترمپ دست زده و هلهله کنیم. سقوط به دره عمیق خیانت و دون‌صفی از این واضعتر نمی‌شود. این جریانها به همان اندازه جمهوری اسلامی خطرناک هستند که در زمان تشنج از پشت به ملت ایران خنجر می‌زنند.

شگردهای اپوزیسیون خودفروخته و دون مایه

همه شاهد بودند که ترمپ اعلام کرد من میراث فرهنگی ایران را نابود می‌کنم. این همان ترمپی است که ملت ایران را تروریست نامیده بود. فوراً اپوزیسیون خودفروخته که متوجه فاجعه شده بود و زیرپایش خالی می‌شد نه تنها به افشاء و انتقاد از ترمپ دست نزد، بلکه به توجیه جنایتکاری جدید وی برآمد. آنها مدعی شدند که ترمپ حتی حرف خودش را

نمی‌فهمد و منظورش "حوزه علمیه قم" بوده است و سپس مدعی شدند که منظورش اماکن دینی بوده است توگویی مساجد چندصدساله ایرانیان بخشی از میراث فرهنگی ایران نیست. چقدر یک مغز باید آلوده باشد تا چنین بپندارد. این فصاحت را اپوزیسیون خودفروخته و مزدور ایران زمانی برای فریب مردم اعلام می‌کرد که همه مطبوعات جهان این حرف ترمپ را مورد انتقاد قرار داده از میراث فرهنگی ایران حتی به عنوان افراد خارجی دفاع کرده و مسؤول سازمان یونسکو در ملل متحد با محکوم کردن سخنان ترمپ اقدام به این عمل را جنایت جنگی اعلام کرد. متن اظهار نظر چنین است:

"در ایران ۲۰ مکانی وجود دارند که باستانی‌اند از جمله تخت جمشید که به میراث فرهنگی جهان تعلق دارند. خسارت به این مکان‌ها بعد از سال ۲۰۱۵ مطابق مصوبه شورای امنیت به شماره ۲۱۹۹ جنایت جنگی محسوب می‌شود". روشن است که جنایتکار جنگی یعنی دونالد ترمپ باید محاکمه شود. ولی اپوزیسیون مزدور در مقابل واقعیت ایستاده و برای ترمپ دست می‌زنند و به قدری فرومایه است که حتی وقتی ترمپ در اثر فشار افکار عمومی جهان و دولتها بیان کرد "که اگر این کار غیرقانونی است وی صرف نظر می‌کند" که البته دروغ می‌گوید، باز هم این اپوزیسیون حاضر به قبول خیانتش نیست.

این اپوزیسیون که به شدت از وسعت حضور مردم به ضد آمریکا به سرگیجه دچار است نخست منکر حضور میلیونی مردم شد. صحبت آنها در حدود چند هزار نفر دور می‌زد و سپس تخفیف دادند و مدعی شدند همه اینها را با اتوبوس آورده‌اند یا تصاویر ساختگی است و سرانجام که رگهایشان از غضب بادکرد بود به دشنام به مردم پرداختند و آنها با نازی‌های هیتلر مقایسه کردند. ببینید این اپوزیسیون مزدور چقدر حقیر و خوفناک است. در دشمنی با مردم روی دست جمهوری اسلامی آنها بر سرکار نیامده، زده است.

تنوری برای توجیه خیانت ملی

ضدانقلاب مجاهد، شاه الهی و "چپ"های خیانتکار اسرائیلی و مزدور ممالک هالند، آمریکا و اسرائیل یک تنوری برای خیانت به مصالح ملی ایران ساخته‌اند و آن این که با استناد به تبه‌کاری، سرکوبگری و فساد جمهوری اسلامی دست زدن به هر عمل خائنانه‌ای درست است. جاسوسی دروغگوئی، اتهام زنی تفتین و... برای آنها مجاز است زیرا جمهوری اسلامی ارتجاعی و فاسد جنایتکار است. آنها اصلی را برای خود به عنوان مجسمه افتخار تراشیده‌اند که هر دنائت و خیانتی را به علت حضور جمهوری اسلامی در ایران توجیه و تبرئه می‌کنند. آنها با تحریم ایران و گرسنگی دادن به مردم ایران و نرسیدن دارو به مردم موافق‌اند و نقش جنایتکارانه ترمپ و امپریالیسم آمریکا را در این امر منکر می‌شوند. دروغ و فریبکاری در قاموس این اپوزیسیون خودفروخته سازمانیافته است چون مواجش را سازمانهای امنیتی خواهند پرداخت. آنها مدعی‌اند چون به‌زعم آنها "قاسم سلیمانی تروریست" است قتل وی و نقض حق حاکمیت ملی ایران به دست یک کشور سرکوبگر و متجاوز اشکالی ندارد و تجسم اجرای عدالت جهانی است. آنها حاضر‌اند برای ویرانی ایران هر اصول و ضابطه‌ای را به‌زیر پای بگذارند. این خیانت است که کسی امپریالیسم و صهیونیسم را به ایران دعوت کند و میزبانی آنها را بپذیرد و خود را پشت جنایات جمهوری اسلامی پنهان کند.

نه به‌جنگ و تحریم و تجاوز

حزب کار ایران (توفان) مخالف ویرانی و فروپاشی ایران است و به ضد این همدستی امپریالیسم- صهیونیسم و اپوزیسیون خودفروخته ایران در درجه اول مبارزه می‌کند. مسأله تعیین تکلیف با جمهوری سرمایه‌داری جمهوری

اسلامی وظیفه خلق ایران بوده و باید به دست مردم ایران انجام شود. مخالفت با تحریم و جنگ به مفهوم تن دادن به خفت نیست. گفته می‌شود رژیم ایران در پشت پرده با امریکا در پی مذاکره است. این یک اصل بورژوازی دیپلماسی در جهان است و کوچکترین اشکالی ندارد. مهم این است که از این مصالحه چه بیرون می‌آید. اگر قتل قاسم سلیمانی و فشار ایران و جهان به امریکا به اجرای توافقنامه هسته‌ای منجر شده، تحریم‌ها برداشته گردد و اموال مصادره شده غیر قانونی ایران پس داده شود طبیعتاً چنین مصالحه‌ای به نفع مردم است ولی چنانچه این مذاکرات برای وقت کشی و پایمال کردن حقوق ایران صورت گیرد اقدامی خائنانه محسوب می‌شود. امروز امپریالیسم امریکا و همدستانش بشدت در جهان و منطقه منزوی شده‌اند هیچ زمانی بهتر از این شرایط برای کسب حداکثر امتیاز نبوده است. امتیازی که امریکا در شرایط امروز ندهد در شرایط نامناسب فردا در وضعیت خفت‌آور هرگز به ایران نخواهد داد و خطر جنگ نیز افزایش می‌یابد زیرا هر کس انگشتش را به امپریالیسم داد باید دستش را بدهد و این منطق هنوز به قوت خود باقیست. صلاح میهن ما در عقب نشینی تا جایی است که منافع برشمرده تأمین شود و اگر نشود باید تمام منافع امپریالیسم را در منطقه به خطر انداخت.

چه باید کرد؟

نخستین گام در جهت یک راه حل سیاسی برای خروج از بن بست کنونی تشکیل یک جبهه مردمی و انقلابی است. چنین جبهه‌ای تنها در بستر شفافیت بخشیدن صف دوستان و دشمنان مردم ایران میسر است. به نظر حزب ما این شفافیت صف کسانی را که دست در دست امپریالیست‌ها گام برمی‌دارند، از صف نیروهای صمیمی جدا می‌کند. باید هرگونه تحریم اقتصادی و مداخله نظامی را محکوم کرد و در مقابل سیاستهای اقتصادی نولیبرالی، دزدی و فساد و اختلاس و سرکوبهای سیاسی ایستاد و هرگونه تغییر و تحول سیاسی را وظیفه داخلی مردم ایران دانست. پیوند مبارزه برای حقوق دمکراتیک کارگران و عموم زحمتکشان و عدالت اجتماعی با مبارزه علیه امپریالیسم و مزدورانش هویت و شخصیت چنین بدیل انقلابی و مردمی را تعریف می‌کند.

شک نیست ترور قاسم سلیمانی و خطر جنگ خارجی بر مبارزه طبقاتی تأثیر گذاشته است و موجب تنفسی برای رژیم شده است، لیکن این تأثیرات کوتاه مدت است. توده مردم که از هرگونه حقوقی محروم اند و با فقر و تبعیض و سرکوب مواجه‌اند دوباره به پای خواهند خاست. تهدیدات خارجی همواره مورد سوءاستفاده رژیم جمهوری اسلامی برای متحد کردن مردم در پشت سر خود بوده است. این تهدیدات ایجاد تمرکز در دستان معدودی خودکامه را توجیه‌پذیر می‌سازد و جامعه را به جامعه جنگی بدل می‌کند. در حقیقت تهدیدات امپریالیست‌ها به طور عینی در خدمت ادامه تسلط استبداد در ایران قرار دارد و رژیم ولایت فقیه را تقویت می‌کند.

دفع خطر خارجی و رفع تحریم‌های غیرقانونی به نفع جنبش مطالباتی کارگران و زحمتکشان است، شرایط را برای پیشروی مبارزه طبقاتی فراهم می‌کند و جز این نیست.

اصابت راکت به هواپیمای مسافربری

در پایان بیانیه از این خبر دردناک مطلع شدیم و باید نظریات خویش را در این زمینه تکمیل کنیم. همانطور که در بیانیه اشاره کردیم سیاستهای جنگ طلبانه، تجاوزکارانه، تشنج‌آفرین، قانون‌ستیزانه امپریالیسم امریکا، جوی مملو از ناامنی و تشنج در سراسر جهان ایجاد کرده است. هیچ کس در هیچ کجای جهان از امنیت قانونی و حمایت جهانی ملل متحد برخوردار نیست. زبان زور و قلدری حرف آخر را می‌زند. دیگر قانون تاکنون معتبر جهان به قانون چنگیزی "حق با

قوی‌تر است" بدل شده است. این ناامنی و تشنج تنها حاکم در فضای ایران و عراق نیست که مقامات رسمی ایرانی در عراق و یا هواپیمای مسافربری اوکرائینی در ایران مورد اصابت راکت‌های امریکائی و ایرانی قرار می‌گیرند. در سال ۲۰۱۴ نیز هواپیمای مسافربری مالزی در منطقه متشنج و جنگی اوکرائین که محصول تجاوز و دخالت روشن ناتو و امریکا در امور داخلی اوکرائین و ایجاد فضای تشنج و جنگی بود، قربانی این فضای تروریستی ناتو شد.

فاجعه سقوط هواپیمای اوکرائینی در ایران که بسیاری از هموطنان ما را نیز قربانی کرد، در این جو متشنجی که محصول سیاست‌های امریکاست، نه اولین آن می‌باشد و نه آخرین آن خواهد بود و مسؤلیت مستقیم آن به‌گردن امپریالیسم تشنج‌آفرین امریکا است. آنچه به‌رژیم ایران برمی‌گردد، فقدان شفافیت و دروغ‌گوئی این رژیم به‌مردم است. این چوپانان دروغگو هرگز اعتماد مردم ایران را به‌دست نخواهند آورد. مردم می‌بینند که سازمان‌های جاسوسی امریکا، کانادا، استرالیا از همه اسرار رژیم حتی زودتر از مسؤلان آن خبر دارند و مضطرب می‌شوند. مردم ایران حق دارند که از این همه ناامنی و اهمه داشته باشند و ندانند که آیا مسؤلان نالایق و مکتبی رژیم دارای آن توانائی هستند که از حریم هوائی ایران در مقابل راکت‌های کروزر امریکائی دفاع کنند یا خیر به لافزنی مشغول اند. آنها حق دارند خواهان استعفاي مسؤلان مکتبی و نالایق این رژیم باشند. نباید گذاشت ملت شریف ایران که نشان دادند، آماده مبارزه ضد امپریالیستی، علی‌رغم ستمی که به آنها وارد شده، هستند، گروگان امپریالیسم امریکا شوند.

از این عدم لیاقت و دروغ‌گوئی مزمن رژیم، امپریالیستها نیز سوءاستفاده می‌کنند، به‌طوری که همان تجربه سوریه تکرار می‌شود که سفیر انگلستان دخالت‌گرانه، در تظاهرات اعتراضی دانشجویان شرکت کرده و آقای ترمپ هم به‌زبان فارسی برای دانشجویان پیام داده که بر روی حمایت امپریالیسم امریکا حساب جداگانه باز کنند. معلوم نیست چه داستان مرموزی "به‌موقع" سفیر انگلستان را از زمان آغاز اعتراضات با خبر کرده و وی را به‌میدان آورده است. حال باید منتظر تکثیر اندازی عمال دست‌چین شده آنها در ایران بود.

حزب ما خواهان استعفاي مأموران نالایق رژیم و محاکمه آنها بوده و فضای متشنج و ناامنی را که امریکائی‌ها خلق کرده‌اند، محصول این فاجعه می‌داند که این امر هم باید در صحنه محکمه با حضور خبرنگاران و رسانه‌های گروهی جهان روشن گردد. نقش امپریالیسم را باید در یک دادگاه علنی در بی‌ارزش دانستن جان انسانها و ترور آنها به‌شدت افشاء کرد. حزب ما دخالت امپریالیسم امریکا و سخنان ترمپ و حضور بی‌شرمانه سفیر انگلستان را در تظاهرات ضد رژیم محکوم کرده آن را به‌ضرر مصالح مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران می‌داند زیرا بذر نفاق و بدنامی را می‌پراکند. این مردم ایران هستند که باید رژیم را به‌پاسخگوئی وادار کنند و دادرسی و دادخواهی نمایند و نه ترمپ و سفیر انگلستان. با هشیاری باید از دسیسه‌های امپریالیستی برای تجزیه و ویرانی ایران ممانعت کرد.

ما از مبارزات انقلابی مردم ایران علیه نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی، برای کسب آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی و احترام به حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران دفاع می‌کنیم!

ما خواهان محاکمه مسؤلان لافزن و دروغ‌گوی ایرانی در دادگاهی علنی هستیم تا در آن نقش تشنج‌آفرین امپریالیسم امریکا نیز افشاء شود!

ما خواهان خروج حضور نیروهای امپریالیستی و دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه هستیم!

نه به جنگ و تحریم و تجاوز! دست امپریالیسم امریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان)

یکشنبه ۲۲ دی [جدی] ۱۳۹۸

www.toufan.org